



نقش و جایگاه مردم در نگرش و حکمرانی علوی (ع)

مهدی نادری

چکیده

نگرش انسانی و فرادینی امام علی(ع) به مردم عنصر کلیدی در تعیین بخشیدن به نقش و جایگاه آنها در امر حکمرانی است. از این نظرگاه است که حضرت امیر علی(ع) بر وجه امانتداری حکمرانی تاکید داشته و می‌کوشد با محور قرار دادن توده مردم در حیطه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌ها رضایتمندی عمومی را به حداکثر برساند. دلیل حضرت بر توجه به توده‌های مردم، همراهی و همرویی این قشر عظیم جامعه در مصائب و سختی‌ها با حکومت می‌باشد.

نگرش انسانی و فرادینی دولت علوی در سه ساحت نمود عینی و واقعی دارد: الف. پذیرش داوطلبانه مردم در انتخاب حکومت ب. نقش مردم در اداره حکومت ج. حقوق مردم در حکمرانی. جایگاه رفیع مردم در گفتمان علوی عامل تحقق بخشیدن به مشروعیت حکومت است. مردم به عنوان صاحبان حقیقی حکومت بازوی مشارکتی، مشورتی و نظارتی دولتمردان می‌باشند. از اینرو، قدرت و حکومت در اندیشه امام علی (ع) به مثابه ابزاری است که باید در خدمت مردم و تعالی آنان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: دولت اسلامی، حکمرانی علوی(ع)، رضایت مردمی، مشروعیت، قدرت .





مقدمه

متخصصان علم سیاست، دولت را متشکل از چهار عنصر می‌دانند: ۱. سرزمین ۲. جمعیت ۳. حکومت و ۴. حاکمیت. یکی از مسائلی که همواره در رابطه با حکمرانی خوب مطرح می‌شود مسئله جایگاه و نقش مردم در امر حکمرانی است. این مسئله ذیل عنصر دوم و سوم شکل‌گیری دولت تعریف می‌شود. در این رابطه آنچه مهم است پی بردن به ظرفیت حکومت برای نقش آفرینی مردم و به تبع آن فراهم ساختن و ایجاد کردن تمهیداتی برای آن می‌باشد. در طول تاریخ بشری حکومت‌های متعددی شکل گرفته است که با توجه به نوع نگرشی که نسبت به مردم داشته‌اند رفتار سیاسی خاصی از خود نشان داده‌اند. این امر ریشه در بنیان‌های شکل دهنده قدرت در نظام سیاسی دارد. در این میان، حکومت چهارساله و چندماهه امام علی (ع) به عنوان یک حکومت موفق تاریخ الگوی روشنی برای حکمرانی مسلمانان به شمار می‌آید تا با الهام گرفتن از آن، مسیر تعالی و سعادت خود را مشخص کنند. نظر به اهمیت این مسئله این مقاله با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی درصدد پاسخ به این سوال است: «حکومت علوی (ع) چه نقش و جایگاهی برای مردم در امر حکمرانی قائل بوده است؟».

۱. نگرش امام علی (ع) به مردم و حکومت

۱-۱. نگرش انسانی و فرادینی به مردم

حضرت امیر(ع) شهروندان جامعه‌ی اسلامی را به دو دسته تقسیم می‌کند: "دسته‌ی اول کسانی که مسلمان هستند و برادر دینی حاکمان به شمار می‌آیند و دسته‌ی دوم که مسلمان نیستند ولی در آفرینش همانند حاکمانند و انسانند." (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حضرت علی (ع) صرف انسان بودن افراد در یک جامعه را عاملی می‌داند که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی آنان تامین شود. حضرت فقط در عهدنامه مالک اشتر در سی مورد به مردم و نوع انسان اشاره می‌کند که در تمام این موارد انسان‌ها فارغ از قوم و قبیله، ملت و مذهب برابر دیده شده‌اند و هیچ گونه تفاوتی در ملیت، رنگ، نژاد و صنف میان مردم آن جامعه وجود ندارد





(جعفری، ۱۳۶۹:۳۱۹) و اغلب این موارد به حقوق سیاسی - اجتماعی آنان و حقوقی که بر گردن حاکمان جامعه و نظام سیاسی دارند مربوط می‌شود.

۲-۱. نگرش امانی و مردمی به حکومت

بنا بر اندیشه امام علی(ع) حکومت امانتی است که بر حکمرانان سپرده شده است: «شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان امت و سفیران رهبر هستید.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). و حکمرانان وظیفه دارند به دور از هرگونه تکلیف و تصنع خود را خدمتگذار مردم و برای مردم بدانند «مردم خانواده و عیال خدایند، پس محبوب‌ترین مردمان نزد خدا کسانی‌اند که به عیال خدا خدمت کنند و سود برسانند» (الکلینی، ۱۳۸۸:۱۶۴). هر تصمیمی باید بنا بر مصلحت عموم مردم گرفته شود. زیرا عموم مردم هستند که جمعیت مسلمانان را تشکیل داده و یاری رسان حکومت در مقابل تهدیدات و پایگاه دین خدا هستند «از انجام دادن هر کاری که با انگیزه سود شخصی خوشایند بوده، اما با در نظر گرفتن مصلحت اجتماعی مسلمانان ناخوشایند باشد، بر حذر باش».(نهج البلاغه ، نامه ۶۹).

دولت اسلامی باید در جهت اصلاح امت و آحاد گام بردارد. از آنجایی که همواره حرکت‌های اصلاحی با رضایت گروهی و نارضایتی گروهی دیگر همراه است. لذا باید تلاش کرد آن راه را گزینش و انتخاب نمود که با مصلحت توده ملت گره خورده باشد. در نظام سیاسی اسلام به توده مردم بیش از طبقه خواص و اشراف توجه شده است «و باید زیبنده‌ترین کارها در نظر تو کاری باشد که بیشتر در شاهراه حق بوده و شعاع عدل آن گسترده‌تر و خشنودی رعیت را فراگیرتر باشد. زیرا نارضایتی عامه مردم رضایت خواص را بی ارج و بی اعتبار می‌سازد و نارضایتی خواص با خشنودی عامه، قابل اغماض است و هیچ یک از مردم برای حکومت پرخرج‌تر در حال رفاه، بی‌خاصیت تر در شداید، گریزان‌تر از انصاف، پرتوقع‌تر در خواسته‌ها، ناسپاس‌تر در بخشش‌ها، عذرناپذیرتر هنگام خودداری از بخشش و کم‌صبرتر در ناملازمات روزگار مانند خواص نیست. و همانا ستون دین و انبوه مسلمین و پشتوانه در برابر دشمنان توده امتند پس باید به آنان روی آوری و به ایشان تمایل جویی».(نهج البلاغه، نامه ۵۳).





امام علی(ع) کارگزاران خود را به نشست‌های عمومی با مردم توصیه می‌کرد «و اجعل لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِئَكَ قِسْمًا. ای مالک، قسمتی از وقت را برای صاحبان حاجات قرار بده.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). چنان مجلسی که مردم به دور از هرگونه محدودیت یا ترس، رو در رو خواسته‌های خود را بر زبان جاری کنند «نباید میان تو با مردم جز زبانت نماینده باشد و جز صورتت دربانی» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

۲. نقش مردم در شکل‌گیری حکومت

الگوی آرمانی حکمرانی در تفکر شیعی، الگوی «امامت» است. بر اساس الگوی امامت، مشروعیت حکومت بر پایه نصب الهی می‌باشد با این حال تحقق مشروعیت، در گروه همرویی و همراهی مردم با حکمرانان است. از اینرو، در اندیشه سیاسی امام علی(ع) حکومت از آن مردم است و این مردم هستند که حق انتخاب نوع حکومت را دارند و تنها زمانی مشروعیت حکومت، تحقق پیدا می‌کند که مورد پذیرش مردم قرار گیرد: «ای مردم این امر (حکومت) امر شماست و هیچ کس جز آن که شما او را امیر خود گردانید، حق حکومت بر شما را ندارد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴).

۲-۱. آزادی در انتخاب و پذیرش حکومت

همواره تمامی حکومت‌ها، حتی حکومت‌های استبدادی تلاش می‌کنند برای ادامه و استقرار حکومت خود، افکار عمومی را با خود همراه کنند. با توجه به اینکه نوع عملکرد مردم و اطاعت‌پذیری و یا عدم اطاعت‌پذیری مردم نقش بسزایی در شکل‌گیری حکومت، اهداف حکومت، نوع رابطه متقابل مردم با حکومت و نهایتاً بقا و زوال حکومت دارد. امام علی(ع) می‌کوشد تا مشروعیت حکومت خود را با حضور آزاد مردم تحقق بخشد. امام علی(ع) در خطبه ۲۲۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «شما دستم را برای بیعت گشودید و من آن را بستم و بسوی خود کشیدید و من آنرا برگرفتم. سپس شما همچون، شتران تشنه که روز آب خوردن به آبگیرهای خود درآیند و بر یکدیگر پهلوی زنند، بر من هجوم آوردید، چنان که از (هجومتان) پای افزار پاره شد. و ردا از دوش افتاد و ناتوان پایمال شد. خشنودی مردم در بیعت من بدانجا رسید که کودکان به وجد





آمده و سالخوردگان، لرزان لرزان برای دیدن این منظره به راه افتاده و بیماران به کمک یکدیگر بدانجا آمده و دختران نارس سربرهنه، حاضر شده بودند».

و همچنین حضرت در خطبه ۱۳۷ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: « لا حاجة لی فی أمرکم، فَمَنْ اخْتَرْتُمْ رضیتُ به » "مرا به حکومت بر شما نیازی نیست و هر که را برگزینید بدو خرسند باشم." حکومت در اندیشه سیاسی امام علی(ع) ماهیتی کاملاً انسانی دارد و قدرت حکمرانان ناشی از حق حاکمیت مردم بر سرنوشتشان است. امام علی(ع) می‌فرماید: «پس [مراسم بیعت] در مسجد باشد، زیرا بیعت با من مخفی نیست و جز با رضایت مسلمانان عملی نیست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

مردم در انتخاب حکومت و به دنبال آن حکمرانان مختار و آزاد هستند و هیچ کس نمی‌تواند شخص یا گروهی خاص را بنا بر اجبار به اطاعت و پیروی از حکومت الزام کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «کسی که از روی اطاعت با من بیعت کرد پذیرفتم و کسی از بیعت با من امتناع ورزید او را وادار به بیعت نکردم و رهایش ساختم» (ابوالسحاق، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۱)

و همچنین می‌فرماید: «رسول خدا مرا متعهد به پیمانی کرد و فرمود: ای پسر ابوطالب ولایت من حق تو است. اگر به درستی و عافیت تو را ولی خود کردند و با رضایت درباره تو به وحد نظر رسیدند، امر ایشان را برعهده گیر و بپذیر، اما اگر درباره تو به اختلاف افتادند آنان را به خواست خودشان واگذار، زیرا خدا گشایشی به روی تو باز خواهد کرد.» (پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره) اهتمام قابل توجهی به نقش مردم در حکومت داشتند «میزان رأی ملت است» از نظر ایشان، جایگاه حکومت، خدمتگذاری دولت به ملت است نه فرمانفرمایی دولت به ملت. امام خمینی ره در سخنرانی ۲۲ آبان ماه ۱۳۵۷ در رابطه با نقش مردم در پذیرش حکومت چنین می‌فرماید: «باید مردم خودشان یک کسی را تعیین کنند، مثلاً یک وکیلی را تعیین کنند برایشان کار بکند. باید مردم خودشان یکی را تعیین کنند که او دخالت کند در امورشان. هر وقت او را نخواستند بگویند برو گم شو.»





۲-۲. تعهد مردم نسبت به انتخاب

اگر چه مردم در تعیین حکومت و زمامداران بنا بر اندیشه سیاسی امام علی(ع) از آزادی و اختیار بدون قید و شرطی برخوردار می‌باشند اما باید توجه کرد زمانی که مردم حکومتی را برپا کردند، دیگر حق خلف وعده ندارند و همواره باید مطیع و پیرو حکومت باشند: «ای مردم، شما با من بیعت کردید، بر آنچه با افراد قبل از من بیعت نمودید، و البته مردم تا با کسی بیعت نکرده‌اند اختیار دارند و آزادند و چون بیعت کردند دیگر اختیاری [در نقض آن] ندارند و همانا بر زمامدار است که استقامت داشته باشد و بر مردم است که از او اطاعت کنند و این بیعتی عمومی است که هر کس از آن سر باز زند، از دین اسلام سرباز زده و راه دیگری جز مسلمانان پیموده است و بیعت شما با من، همراه با فکر و اندیشه بود و ناگهانی و بدون تأمل نبوده است» (المحمودی، ۱۳۹۷: ۸: ۲۰).

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «به عهد و پیمان خود وفا کنید که از آن پرسش می‌شوید»^۱ و همچنین «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید»^۲. لزوم تعهد به حکومت پس از انتخاب آن به این دلیل است که بتواند با تکیه و اعتماد بر مردم، به خواسته‌های آنها جامه عمل پوشاند و از این پشتوانه مردمی در جهت اهداف متعالی گام بردارد.

۳. نقش مردم در اداره حکومت

علی(ع) در نامه به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای دفاع عمومی مردم [توده مردم] می‌باشند». وحدت و حضور مردم عامل اصلی تحرک و پویایی یک حکومت و از طرفی اقتدار و توانایی یک کشور به حساب می‌آید. تعبیر علی(ع) در مورد نقش مثبت مردم در حکومت بیانگر ضرورت حضور مردم و جایگاه رفیع آن به عنوان ستون‌های استوار دین می‌باشد. علی(ع) در نامه ۲ نهج البلاغه به جهت نقش مثبت مردم تشکر می‌کند و در خطبه ۳۴ نهج البلاغه به خاطر قصور و

^۱- آیه ۳۴ سوره اسرا

^۲- آیه ۱ سوره مائده





کوتاهی در وظیفه مردم و همچنین پیمان شکنی مردم، تازیانه‌های کلام خود را بر افکار بی روح مردم می‌زند و آنها را با تندترین عبارات مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «نفرین بر شما کوفیان که از فراوانی سرزنش شما خسته شده‌ام». بیانات ممدوحانه و مذمومانه حضرت بیانگر اهمیت نقش آفرینی توده مردم در روند اداره جامعه و ثبات حکومت می‌باشد.

۱-۳. لزوم مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم

هر دولت و حکومتی برای استقرار و بقای خویش نیاز به مشارکت و همراهی مردم در روند حکمرانی دارند. حتی دولتهای استبدادی برای پیشبرد اهداف خود تلاش می‌کنند مردم را با خود همراه و همسو کنند. حضور مردم در عرصه‌های مختلف و حمایت یا مخالفت مردم نقش بسزایی در اداره کشور بر جای می‌گذارد. مشارکت جدی مردم از پایه‌های مهم اندیشه سیاسی و سلوک حکومتی امام علی(ع) در ساختار قدرت به حساب می‌آید: «لولا حضورالحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر. لالقیة حبّله‌ها علی غاربها. اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، ... مهار شتر و خلافت را بر کوهان آن انداخته و رهایش می‌ساختیم» (نهج البلاغه، خطبه ۳). از منظر ایشان اگر حاکم جامعه بهترین حکومت و بالاترین درایت و رهبری را هم بکار گیرد بدون حمایت و مشارکت مردمی، کاری از پیش نمی‌برد. «لارأی لمن لا یطاع، آنرا که فرمان نبرند، سررشته کار از دستش برون است.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). در نظام سیاسی اسلام دولت و ملت در هم تنیده شده‌اند و همچون نظامهای دیگر رعیت‌انوانی نیست که به طبقات پایین و ضعیف جامعه اطلاق گردد. بلکه در این نظام آحاد مردم جایگاهی خاص دارند و هر طبقه بنا بر جایگاه، نقش مهمی را ایفا می‌کند. امام علی(ع) از کلیه اقشار جامعه بدون استثناء نامی به میان آورده است. «و بدان که رعیت را صنف‌هاست که کار برخی جز به برخی دیگر راست نیاید و به برخی از برخی دیگر بی نیازی نشاید. از آنان سپاهیان خدایند و دبیران که در نوشتن نامه‌های عمومی و یا محرمانه انجام وظیفه نمایند و از آنها داوران‌اند که کار به عدالت دارند و عاملانند که کار خود را به انصاف و مدارا دانند، و از آنان اهل جزیه و خراج‌اند، از ذمیان و مسلمانان و بازرگانانند و صنعتگران و طبقه فرودین از حاجتمندان و درویشان و خدا نصیب هر





دسته را معین داشته و میزان واجب آنرا در کتاب خود یا سنت پیامبرش (ص) نگاشته، که پیمانی از جانب خداست و نگهداری شده نزد ماست». (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ۲-۲-۳. لزوم مشورت با مردم

امام علی (ع) در اداره امور کشور با مردم مشورت می‌کرد و از نظرات مشورتی آنان بهره می‌برد و همواره به کارگزاران خود توصیه می‌کرد که از این فرصت بهره جویند: «علی امور یارانش را در برابر خود ایشان می‌سنجید و هرگز استبداد رأی نداشت بلکه در بزرگ و کوچک کارها با ایشان رأی می‌زد» (طه حسین، ۱۳۳۲: ۱۸۲). به عبدالله بن عباس می‌گفت: «از نظر مشورتی خود در امر حکومت دریغ نکن». (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳) امام علی (ع) مشورت با مردم را وظیفه حاکم می‌داند و از آنها می‌خواهد که با او مشورت کنند «از گفتن سخن حق و یا مشورت عدالت آمیز خودداری مکنید، زیرا من خویشتن را مافوق آن که اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم مگر اینکه خداوند مرا حفظ کند». (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و همچنین می‌فرماید: «هر که خود رأی گردد به هلاکت رسید و هر که با مردمان رأی برانداخت [مشورت کرد] خود را در خرد آنان شریک کند». (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

۳-۳. لزوم نظارت مردمی

نظارت همیشه یکی از مسایل مهم و پیچیده در زندگی فردی-اجتماعی بشر بوده است. انسان ذاتا دوست دارد آزاد و رها باشد و هیچ ناظری رفتار و کردار او را زیر نظر نداشته باشد، ولی قرآن کریم به طور مکرر یادآوری فرموده که خداوند تعالی انسان را می‌بیند و بر اعمال و رفتار او شاهد و ناظر است. بحث نظارت وقتی وارد مباحث سیاسی - اجتماعی و عملکرد حاکمان و رهبران سیاسی و مدیران جامعه می‌شود اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. در نگاه نخست، نظارت بر کارگزاران در اندیشه سیاسی امام علی (ع) از وظایف اساسی حکمران به حساب می‌آید که ضمن دوام حکمرانی، اعتماد و اعتبار مردم نسبت به حکومت را دوچندان می‌کند. امام علی (ع) خطاب به مالک چنین می‌فرماید: «پس بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفایبیشه برایشان بگمار، که مراقبت نهایی تو در کارهایشان، وادار کننده آنهاست به رعایت امانت و مهربانی است بر رعیت». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)





با این حال، نباید وجه مردمی نظارت در حکومت را نادیده انگاشت. هنگامی که حضرت علی (ع) به اصرار مردم خلافت را پذیرفت "به مسجد آمد و به منبر رفت و مردم بر او گرد آمدند، گفت خلافت شما را خوش نداشتیم اما اصرار کردید که خلیفه ی شما باشم بدانید که بی نظر شما کاری نمی‌کنم، بدانید که کلیدهای اموال شما با من است اما بی نظر شما یک درهم از آن نمی‌گیرم، رضایت می‌دهید؟" (الطبری، ۳۱۰: ۲۳۲۸) امام صراحتاً مردم را برای نظارت بر عملکرد خود دعوت می‌کند و به عبارت دیگر به آنها حق نظارت میدهد و حق نظارتشان را به رسمیت می‌شناسد.

امام علی(ع) خود در تمام دوران زمامداری خویش نظارت دقیق و پیگیرانه بر رفتار و اعمال کارگزاران داشت و به مالک اشتر چنین می‌فرمود: «وَابْعَثِ الْعِیُونَ ... چشمهایی [جاسوسان] بر کارگزاران و کارکنان بگمارد». (نهج البلاغه ، نامه ۵۳). نظارت بر اعمال کارگزاران تا آنجا بود که حتی شرکت آنان در یک مهمانی اشرافی از نظر آن حضرت مخفی نمی‌ماند. (نهج البلاغه ، نامه ۴۵)

امام (ع) علاوه بر نظارت شدید و دقیق حاکمیت بر اعمال و کردار کارگزاران، بر ضرورت نظارت مردم بر اعمال کارگزاران نیز تأکید و سفارش می‌کرد. معیار آن حضرت برای قضاوت مردم در امور اعمال کارگزاران سیاسی، مطابقت اعمال آنها با سنت و احکام دینی است. از نظر امام علی(ع) مردم باید از کارگزاران خاطی از سنت اسلامی و فرمان الهی دوری کنند و او را نپذیرند و کارگزار سیاسی نیز مجاز به انجام همه دستورهای فرادست خود نیست... «ای گروه مردمان، من عبدالله بن عباس را جانشین خود بر شما قرار دادم، سخن او را بشنوید و فرمان او را تا هنگامی که از فرمان‌های خدا و رسول اطاعت می‌کند، اطاعت کنید و اگر میان شما بدعتی پدید آورد یا از حق منحرف شد، بدانید او را از فرماندهی عزل خواهیم کرد» (الجمل، ۴۱۳: ۲۲۴). و همچنین می‌فرماید: «به مردم نگو، به من فرمان داده‌اند و من نیز فرمان می‌دهم پس باید اطاعت شود، که اینگونه خود بزرگ‌بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست.» (نهج البلاغه ، نامه ۵۳).





۴. حقوق مردم در حکمرانی علوی (ع)

در اندیشه سیاسی امام علی(ع) همواره مردم و زمامداران از حقوق متقابلی برخوردار هستند و با وجود حقی، متقابلاً تکلیفی دارند و بالعکس. امام علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «خداوند برای من بر شما، به واسطه سرپرستی امورتان حقی قرار داده و در مقابل، برای شما همانند آن، حقی بر گردن من گذاشته است. از میان حقوق خداوند بزرگترین حقی را که فرض شده است حق والی زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی و حاکم است.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

۴-۱. تعلیم و تربیت

اساسی‌ترین حقوق مردم در اندیشه سیاسی امام علی(ع)، تعلیم و تربیت مردم می‌باشد: «اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را در راه شما صرف کنم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیتشان کنم تا فراگیرید.» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴) تعلیم و تربیتی که منجر به شکوفایی و آگاهی مردم می‌شود: «بر امام است که بر اهل ولایت خویش، حدود اسلام و ایمان را تعلیم دهد» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۸۸). و مظهر صفات الهی شدن است: «علم الآدم اسماء کلها». انسان همواره استعدادهای بالقوه فراوانی دارد که با شناخت آنها و حرکت در مسیر حقیقت، زمینه‌های تعالی فرد و دیگران را به همراه می‌آورد: «عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و در جهل انسان همین بس که قدر خود را نشناسد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۰) تربیت مردم در اندیشه سیاسی امام علی همراه با خردورزی و حکمت‌آموزی است و در خطبه اول نهج البلاغه در این رابطه چنین می‌فرماید: «لیشبرو لهم افائن العقول» "پیامبران آمدند تا عقلهای دفن شده را بیرون بکشند."

۴-۲. صراحت و صداقت با مردم

در اندیشه سیاسی امام علی(ع) آموزه‌های ماکیاولی جایگاهی ندارد و زمامدار باید از هرگونه عوام‌فریبی و مخفیکاری نسبت به مردم اجتناب کند: «وليصدق رائد اهله باید زمامدار به مردمانشان راست بگوید». حاکم





اسلامی باید در مقابل مردم صریح و صادق باشد و تنها در فضای نظامی و امنیتی بدلیل مهمات نظامی می‌تواند اسرار نظامی را از مردم پنهان کنند. «بدانید حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگی، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا» (نهج البلاغه، نامه ۵۰).

۳-۴. مهربانی با مردم

اصولاً رفتار خشونت‌آمیز حکومت‌ها با مردم ریشه در بدگمانی آنها نسبت به جایگاه و ماهیت مردم دارد. به عنوان مثال، هابز در کتاب لویتان چنین نگرشی به انسان دارد: «انسان گرگ انسان است». در منظر امام علی(ع) انسان موجودی است که قابلیت الهی شدن را دارد. از اینرو، رفتار امام علی(ع) با مردم در اوج متانت و مهربانی بود و همواره زمامداران و کارگزاران را به مهربانی با مردم توصیه می‌کرد «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و همچنین ایشان ریشه زوال حکومت‌ها را در استبداد می‌دانند: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» "هر کس استبداد ورزد نابود می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)

۴-۴. تحقق امنیت و رفاه عمومی

امام علی(ع) در طول حکومت چندین ساله خود تلاش می‌کردند تا مردم از حقوق عمومی و اولیه خود برخوردار شوند ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه چنین اذعان می‌فرماید: «این است فرمانی که بنده خداوند علی(ع) فرمانروای مؤمنان، در عهدنامه خود به مالک اشتر نخی می‌دهد، آنگاه که حکومت مصر را بدو می‌سپارد تا مالیات و درآمدهای عمومی را جمع‌آوری نموده و با دشمنان و متجاوزان نبرد کند و وضع مردم را سامان دهد و شهرهای آن خطه را آباد سازد». آنچه که از فرمایش حضرت برمی‌آید این است که حکمرانان وظیفه برقراری و حفظ امنیت، اصلاح و بهبود زندگی مردم و همچنین تأمین رفاه عمومی و به دنبال آن عمران و آبادانی را برعهده دارند.





۴-۵. روشنگری و بصیرت افزایی

امام علی(ع) برای اینکه مردم را با روند و اوضاع سیاسی روزگار آشکار کند و از هرگونه موضع‌گیری نادرست به دور باشند هم نامه‌های بیدارکننده و هم شخصیت‌های خوش‌نام و معروف را بسوی آنان می‌فرستاد تا با سخنرانی‌های حساب شده، مردم را از فتنه‌های سیاسی آگاه سازند. نامه اول نهج البلاغه برای آگاهی مردم کوفه بدین گونه نوشت: «فَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عَثْمَانَ حَتَّى يَكُونَ سَمْعُهُ كَعِيَانِهِ» «همانا من شما را در این نامه به گونه‌ای از ماجرای عثمان آگاه می‌سازم که شنیدن همانند دیدن می‌باشد».

اصولاً اختلاف سلیقه‌ها منجر به موضع‌گیری‌های سیاسی متفاوت می‌شود. اگر این امر با اطلاعات نادرست سیاسی همراه شود می‌تواند کیان نظام سیاسی را به خطر اندازد. از سوی دیگر دشمنان برای پیشبرد اهداف خود سعی می‌کنند در پوشش آراسته به حق و باطل گام بردارند تا آنجایی که تشخیص مرزهای حق و باطل برای عموم مردم و حتی خواص نیز دشوار خواهد بود و همین امر می‌طلبد که کارگزاران سیاسی با شفاف سازی سیاسی هرگونه موضع اتهام و بدگمانی را نسبت به خود دور سازند. مردی از یاران امیرالمؤمنین(ع) در جریان جنگ جمل سخت در تردید قرار گرفته بود. از یک طرف علی(ع) را می‌دید و از سوی دیگر عایشه همسر پیامبر اکرم(ص)... سرانجام محضر امیرالمؤمنین(ع) شرفیاب شد و گفت: آیا ممکن است طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند؟... امام علی(ع) در جواب او سخنی دارد که طه حسین دانشمند و نویسنده مصری می‌گوید: «سخنی محکمتر و بالاتر از این یافت نمی‌شود بعد از آنکه وحی خاموش شد و ندای آسمانی منقطع شد سخنی به این بزرگی شنیده نشده است.» فرموده: «حقیقت بر تو مشتبه شده، حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی‌شود شناخت این صحیح نیست که تو اول شخصیت‌هایی را مقیاس قرار دهی و بعد حق و باطل را با این مقیاس‌ها بسنجی. اشخاص نباید مقیاس حق و باطل قرار گیرند. این حق و باطل است که باید مقیاس اشخاص و شخصیت آنان باشد»(دستی، ۱۳۷۹: ۷: ۳۰).





۴-۶. حقوق مخالفان سیاسی

امام علی(ع) در پاس داشتن حقوق مخالفان و حرمت به آنان همچون مردمان دیگر درخششی بی‌مانند دارد. او ضمن اینکه دیگران را به این امر تشویق می‌نمود، راه صلح و هدایت را بر مخالفان خود همواره باز می‌نمود و حتی از حقوق آنان را زیر پا نگذاشت. ایشان فضای باز سیاسی را برای مخالفان به وجود آورده بود تا آنجایی که در نماز جماعت ایشان خلل ایجاد می‌کردند یا اینکه به تبلیغ عقاید مخالف خود می‌پردازند و تنها زمانی در مقابل آن دست به سلاح می‌برد که عملاً آنان در معرکه نبرد آغاز کننده درگیری بودند و یا اینکه امنیت اجتماعی جامعه و اصول و مبانی اسلامی را مورد خدشه قرار می‌دادند. «روزی حضرت علی(ع) با جمعی از یاران مشغول بحث و گفتگو بودند، ناگاه زن زیبارویی از مقابلشان رد شد که چشم برخی آن زن را دنبال می‌کرد. حضرت امیر (ع) در نصیحت مردم رهنمودهای ارزشمندی ارائه فرمود.

شخصی از خوارج حضور داشت که از جواب شگفت ماند و به حضرت امیر اهانت کرد. «فَوَتَّبَ الْقَوْمَ لِيَقْتُلُوهُ» مردم بر سر او ریختند که او را بکشند. در حالی که امام علی(ع) برخاست و فرمود: «رُزِيْدًا اِنَّمَا هُوَسَبُّ سَبِّ اَوْ غَفُوٌّ عَن ذَنْبٍ» او را رها کنید، فحش در برابر فحش است یا عفو کردن از گناه». (نهج البلاغه، حکت ۴۲)

۴-۷. حقوق اقلیت‌های مذهبی

اقلیت‌های مذهبی در دولت و حکومت امام علی(ع) از جایگاه والایی برخوردارند او همواره حقوق آنان را ارج می‌نهاد تا آنجا که وقتی خبر تعرض یکی از گروه‌های غارتگر معاویه به شهر انبار و ربودن گردنبند و خلخال زنی غیرمسلمان به وی رسید چنان برآشفته و گفت «اگر مردم مسلمانی از غم این رسوایی از اندوه بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من شایسته چنین کرامت است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

اهل کتاب یعنی مسیحیان و یهودیان در صورتی که از تعهداتشان در قبال دولت اسلامی تعدی نکنند و حقوق مسلمانان را به رسمیت بشناسند می‌توانند در صلح و صفا در کنار مسلمانان و در زیر لوای دولت اسلامی زندگی کنند: «امیرالمؤمنین (ع) نیز وقتی پیرمردی مسیحی را در حال گدایی دید، سؤال فرمود که این کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است، فرمود: از او کار کشیدید، اکنون که پیر و ناتوان شده او را با این





دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات درمانی
استان لرستان

یازدهمین همایش ملی سیره علوی

با رویکرد سلامت

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان لرستان، ۲۶ مردادماه ۱۳۹۹

The 11th national Conference on Health approach in Imam Ali's Tradition



بنیاد بین‌المللی غدیر

وضع رها کرده‌اید، دستور داد از بیت‌المال به اندازه رفع نیازش به او کمک کنند»(عاملی، بی تا: باب ۱۹، حدیث (۱).

۱۴



صدا و سیمای
مرکز لرستان



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خرم‌آباد



دانشگاه
پیام نور لرستان



جهاد دانشگاهی
لرستان



دانشگاه
جامع علمی - کاربردی



دانشگاه
فرهنگیان لرستان



دانشگاه
لرستان



اداره کل آموزش و پرورش
استان لرستان



دفتر نماینده ولی فقیه
در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد





نتیجه گیری

نگرش توحیدی امام علی(ع) به انسان در عرصه سیاست و حکومت منجر به تجربه بی بدیلی از حکمرانی در گفتمان علوی گردیده است. از نظرگاه امام علی (ع) مردم نه به مثابه ابزاری جهت حفظ و بقای حکومت بلکه حکومت به مثابه ابزاری است که باید در جهت سعادت و پرورش مردم به کار گرفته شود. برخلاف حکومت های استکباری و جور که به توده مردم - به این علت که ابزار قدرت و فشار را در دست ندارند - توجه خاصی ندارند؛ امام علی(ع) در حکومت چندساله خود محور سیاست گذاری را معطوف به توده مردم قرار داده بود. چرا که به اعتقاد ایشان، این قشر عظیم جامعه همواره در سختی‌ها و مصائب یاری رسان حکومت می‌باشند و با رضایت حال این قشر، بخش گسترده‌ای از جامعه با حکومت همراه می‌شوند.

در اندیشه سیاسی امام علی(ع) مردم از جایگاه ولایی برخوردارند تا جایی که تحقق مشروعیت حکومت باید با حضور آزاد و فعال مردم محقق شود. مردم به عنوان استوانه‌های حکومت در روند اجرا و تصمیم‌گیری حضور فعال دارند تا جایی که مشورت با مردم به سهیم شدن در عقل خردمندان تعبیر شده است. حکومت بر مردم به مثابه امانت الهی است که خداوند به زمامداران سپرده است تا ضمن برطرف کردن موانع و محدودیت‌ها زمینه رشد و تعالی انسانها را برطرف کنند. چون قدرت و حکومت برای مردم است، لذا این حق مسلم مردم است که کارگزاران را در حیطة مسئولیت و وظایفشان و در چهارچوب احکام اسلامی مورد بازخواست قرار دهند.

کرامت انسانی در دیدگاه امام علی(ع) که برخاسته از نگرش توحیدی ایشان است، سبب شده است که نه تنها موافقین او بلکه مخالفین و اقلیت‌ها از حقوق انسانی برخوردار شوند .





منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. غررالحکم، ترجمه حاجی محمدعلی انصاری، قم.
۴. رساله الحقوق امام سجاد(ع)(۱۳۸۳)، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۵. ابن اثیر(۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، بیروت.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۷. المحمودی محمدباقر(۱۳۹۷)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت: موسسه المحمودی.
۸. طبری محمدبن جریر(۳۱۰)، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۹. ابواسحاق ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد(۱۳۷۱)، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. الکلینی ابوجعفرمحمدبن یعقوب(۱۳۸۸)، الکافی، صححه علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۱. علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۹). توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۲. تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۴)، اندیشه ی سیاسی در گفتمان علوی، قم: بوستان کتاب.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). جمال دولت محمود: حکومت امام علی(ع)، حکومت موفق تاریخ، تهران: دریا.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، حکومت حکمت: حکومت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، اندیشه سیاسی و سیره حکومت امام علی(ع)، تهران: دریا.
۱۶. طه حسین(۱۳۳۲)، علی(ع) و دو فرزند بزرگوارش، ترجمه احمد آرام، کتابفروشی و چاپخانه علی اکبر علمی.
۱۷. جعفری، سید محمد مهدی(۱۳۷۴)، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹)، عارض خورشید: مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: دریا.
۱۹. برزگر کلیشمی، ولی الله (۱۳۷۲)، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، قم: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.





۲۰. سلمانی کیاسری، محمد (۱۳۸۵)، حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲۱. آیت‌الله منتظری، حسین علی (۱۳۶۱). درسهایی از نهج البلاغه، نامه علی (ع) به مالک اشتر، تهران: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. رهبر، محمدتقی (۱۳۶۴)، درسهای سیاسی از نهج البلاغه، تهران: امیرکبیر.
۲۳. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۲۴. الحراغالی، محمد بن الحسین (بیتا). وسائل الشیعه، باب ۱۹، حدیث ۱

